مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست و ششم | چهارشنبه ۱۵ میزان ۱۳۸۳ | 22 شعبان المعظم ۱۴۲۵ - 6 October 2004

سرمقاله

جمعیت اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری

ص ۲

اسلام، دموکراسی وانتخابات

ص ۷

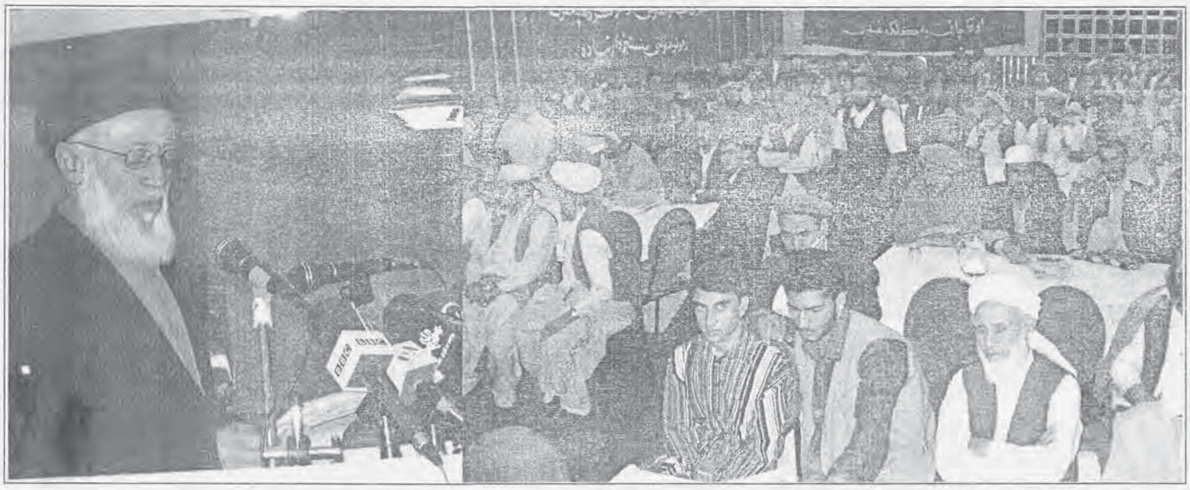
د ملی یووالی او سراسری پیوستون ضرورت

ص ۲

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت در حاشیهٔ اعلام موضع جمعیت در قبال انتخابات:

من بر پایهٔ توافقات قبلی حمایت خود را از نامزدی جناب حامد کرزی اعلام می دارم

ما از عموم ملت عزیز افغانستان می خواهیم که انتخابات را در فضای امنیت و دور از تشنج به پایان برسانند



تأیید به این معنی نیست که در برابر کج روی ها بی تفاوت هستیم، وقتی که دیده شود کسی پاکج می نهد و در جهت ضد منافع ملی حرکت می کند، هرکسی که باشد جمعیت در آن مرحله خاموش نخواهد بود و موضع گیری جدی و قاطع خود را اعلام خواهد کرد

***

جناب امیر اسماعیل خان یک تن از چهره های تابناک جهاد و مقاومت و یکی از قهرمانان صلح و بازسازی کشور عزیز ماست. ص۳

لزوم مشارکت سیاسی و نه ائتلاف در نظام ریاستی ص ۲

در هفتهٔ اخیر مبارزات انتخاباتی

ن ، ملکیار

دیدگاه هایی از کاندیداهای ریاست جمهوری

کاندیداها در هفتهٔ اخیر مبارزات انتخاباتی شان علاوه بر انتقاد بر رئیس دولت انتقالی، نحوهٔ عملکرد دولت او روی چند مورد دیگر مانند، صحت بهتر ورایگان، ایجاد سرپناه ، بلند بردن سطح اقتصاد کشور، تعلیم و تربیهٔ بهتر ، روابط نیک با همسایگان و غیره بیشتر تأکید کردند.

خط مشی آقای محمد یونس قانونی نامزد ریاست جمهوری توسط معاون دوم وی آقای عالمی بلخی اعلام گردید. او قبل از اعلام خط مشی خود شایعهٔ کنار رفتن آقای قانونی را رد کرد و افزود که اگر پیروز شوند افغانستان را رفاه خواهند بخشید و اگر پیروز نشوند با رئیس جمهور منتخب مردم همکاری خواهند نمود.

او هم چنان خاطر نشان ساخت که در سفر هایی که ص۵



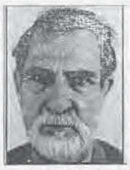
محمد یونس قانونی



عبدالهادی خلیل زی



مسعوده جلال



میر محمدمحفوظ ندایی



سید عبدالهادی دبیر



همایون شاد آصفی



عبداللطیف پدرام



عبدالستار سیرت

دتول ټاکنو په درشل کې

د کابل ښار امنیت مخ په ټینګیدو دي

د خبري سرچینو په وینا د ملي اردو او ایساف د پوځونو له خوا د راتلونکیو انتخاباتو د تر سره کیدو لپاره امنیتي تدابیر ټینګ شوي دي چې د کابل د شمال لخوا قره باغ ، کلکان ، میربچه کوت، ګلدره او شکردره د شمال شرق لخوا کوه صافي ، خاک جبار ، بند غازي ، بګرامي، شیوه کې د جنوب غرب لخوا چهار آسیاب، ریشخور، او للندر او دکابل د لویدیځ لخوا کوز او برارغندي او د لغمان ولسوالي کمربندونه جوړ شوي دي چې په لمړي کمر بند کې به پولیس او په دوهم کمر بند کې به د ملي اردو او ایساف خواکونه ځای پر ځای شي

ټاکل شوي ده چې د جمهوري ریاست انتخابات به د تلي د میاشتي په اتلسمه نیټه دشنبې په ورځ تر سره شي او ددغه مقام د ګټلو په مقصد اتلس کاندیدان خپلو مبارزو ته دوام ورکوي

جایزهٔ دی گوادریگا به حامد کرزی داده شد

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان وبعضی از اعضای کابینهٔ دولت به روز یکشنبه ۱۱ میزان وارد برلین گردیده بودند و به روز دوشنبه ۱۲ میزان به وطن برگشتند.

هدف از این سفر رئیس دولت به شهر برلین دریافت جایزهٔ دی گوادریگا بود که این جایزه هرسال به تاریخ سوم اکتوبر که با روز ملی آن کشور مصادف است، به مستحق آن داده می شود. در سال های قبل چهار شخصیت بین المللی که در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی وعلمی از خود برازندگی نشان داده بودند این جایزه داده می شد اما این بار جایزهٔ پنجم آن تحت عنوان "در مسؤولیت مشترک با هم متحدیم" در نظر گرفته شده بود که رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان مستحق آن خوانده شد.

آقای کرزی ضمن بیانیه یی در مراسم دریافت این جایزه گفت که مبلغ بیست و پنج هزار یورو پول نقد، همراه با جایزه را که به وی داده شده است، به فارغان ممتاز لیسه های سی و چهار ولایت افغانستان تخصیص خواهد داد.

پس از انتخابات ۱۸ میزان

آیا حاکمیت سیاسی مشروعیت می یابد؟!

ص۵

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

جمعیت اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری

جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان بزرگ ترین حزب سیاسی کشور، بالاخره به روز یکشنبه ۱۲ میزان موضع خویش را در انتخابات ریاست جمهوری طی همایشی در هتل زنبق، اعلام نمود.

جمعیت اسلامی از نخستین روزهای اعلام نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری به صراحت گفته بود که از میان اعضای خویش کاندیدایی را برای احراز پست مقام ریاست جمهوری معرفی نمی کند و در مورد انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و آیندهٔ کشور با متحدان سیاسی خویش یعنی عمدتاً سران سازمان های جهادی، شخصیت های جهادی، علما، موسفیدان و نمایندگان اقشار مختلف جامعه به مشوره و کنکاش ادامه می دهد و خواهان آن است تا همه مجاهدین در این موارد مهم به اتفاق نظر نایل آیند.

جلسات و مذاکرات متعددی هم در داخل جمعیت و شورای مؤقت رهبری آن و هم با سایر نیروها صورت گرفت یکی از مهم ترین این جلسات مجاهدین، نشست شام ٦ جوزا بود که تعداد زیادی از شخصیت های جهادی در آن شرکت داشتند و بر اصول تفاهم مشترک با اجندای ملی به توافق رسیدند ومحترم حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی و یکی از کاندیداهای مهم ریاست جمهوری که در این نشست حاضر شده بود نیز موافقت خویش را با ان اصول و اجندا، اعلام نمود.

رهبری جمعیت اسلامی در ان جلسه تأکید نمود که جلسات مجاهدین باید فراگیر شود و تعدادی از شخصیت های مهم جهادی که تا ان زمان در جلسات مذکور شرکت نداشتند، باید تلاش صورت بگیرد که انان نیز به این جمع بپیوندند تا جلسه بتواند از همه مجاهدین و یا اکثریت قریب به اتفاق انان نمایندگی کند.

اعلام حمایت جمعیت از نامزدی محترم حامد کرزی در حقیقت همگامی و همنوایی با سایر احزاب وبسیاری از شخصیت های مهم جهادی است که در جلسات مذکور شرکت داشتند و یا بعداً حمایت شان را از اصول تفاهم مشترک و اجندای ملی اعلام نمودند.

جمعیت اسلامی با آن که حمایت خویش را از محترم کرزی اعلام داشته، سه موضوع مهم را نیز به صراحت بیان نموده است:

۱- اعلام حمایت از یکی از کاندیداها هرگز به معنی نادیده گرفتن شخصیت، توان، استعداد وشایستگی کاندیداهای دیگر نیست ورهبر جمعیت از لیاقت وشایستگی تعدادی از کاندیداهای دیگر نیز یاد نموده و این امر مبین وسعت نظر و واقع بینی جمعیت اسلامی است که با پرهیز از افراط و تفریط و با انتخاب و تأیید یک شخص، توان، استعداد و خوبی های اشخاص دیگر را نه تنها نادیده نمی گیرد بلکه به آنان ارج و احترام می گذارد!

حمایت جمعیت از یک کاندیدا هرگز به معنی نفی دیگران واعلام مخالفت و خصومت با کاندیداهای دیگر نیست بلکه جمعیت اسلامی با مطالعهٔ دقیق وعمیق شرایط و اوضاع داخلی و بین المللی از یک سو توافقات قبلی مجاهدین را دنبال نموده و از سوی دیگر درمیان گزینه های متعدد، مناسب آن ها را انتخاب نموده است.

۲- جمعیت اسلامی به همه حال به رأی وفیصلهٔ مردم احترام می گذارد و هر کاندیدایی که اکثریت لازم را به دست بیاورد و به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد، از حمایت و پشتیبانی جمعیت برخوردار خواهد بود و جمعیت با کمال اخلاص و دلسوزی با او همکاری خواهد کرد.

۳- رهبر جمعیت در همایش مذکور اعلام نمود که حمایت ما مشروط به تطبیق عملی اجندای ملی است.

بنا بر این موضع جمعیت اسلامی یک موضع کاملاً اصولی و مطابق خواست مردم و مجاهدین است.

لزوم مشارکت سیاسی نه ائتلاف در نظام ریاستی

محمد نسیم فقیری

مشارکت ملی در قضایای مهم کشور و مشارکت سیاسی در تشکیل حکومت ها یک امر نیکو و پسندیده است و در همه کشورها به خصوص در کشور ما اهمیت و ارزشی مهم و حیاتی دارد. مشارکت سیاسی وسهم گیری احزاب و شخصیت های بزرگ مطرح در سطح جامعه، در امر تشکیل حکومت فراگیر، دارای محاسن ذیل می باشد:

۱. این مشارکت یکی از دلایل عمدهٔ مشروعیت دولت به شمار می رود و نشان دهندهٔ خاستگاه و پایگاه مردمی آن می باشد.

۲. حضور احزاب و شخصیت ها در حکومت های مشارکتی باعث کاهش تضادها و تقویت روحیهٔ همکاری و همدلی می گردد و در نتیجه به تأمین امنیت و ثبات سیاسی کمک می کند.

۳. مشارکت سیاسی، حکومت ها را از انحصار یک شخص و یا یک حزب بیرون می کشد و به آن وجهٔ ملی و مردمی می بخشد.

۴. این مشارکت در داخل کشور، فضای اعتماد و اطمینان را به وجود می آورد و در سطح بین المللی باعث عزت و امتیاز دولت می گردد.

۵. تأکید بر اصل مشارکت نشانهٔ مردم سالاری و بیانگر چهرهٔ مردمی رئیس دولت و اجتناب و پرهیز او از خودکامگی و حکومت فردی می باشد.

فرق مشارکت و ائتلاف

مشارکت وائتلاف، تفاوت هایی زیاد دارند و از جمله:

۱. مشارکت یک امر خیری ومصلحتی است و ائتلاف یک مجبوریت سیاسی و در بعضی از موارد اجتناب ناپذیر!

۲. مشارکت بیشتر در نظام های ریاستی مطرح می گردد و ائتلاف مشخصهٔ عمدهٔ نظام های پارلمانی است.

در نظام های ریاستی، رئیس دولت با رأی مستقیم مردم انتخاب می گردد و در تشکیل حکومت دست باز دارد و می تواند وزرای خویش را از داخل و خارج پارلمان، از منسوبان احزاب سیاسی و یا اشخاص بی طرف و... انتخاب نماید. این کار بر اساس قانون اساسی ما مشروط به تأیید ولسی جرگه می باشد. در حالی که در نظام های پارلمانی، رئیس حکومت مجبور است برای به دست آوردن اکثریت پارلمانی - در صورتی که حزب او اکثریت لازم را به دست نیاورد - با حزب یا احزاب دیگر ائتلاف نماید و بازهم مجبور است تا وزرای خویش را از داخل پارلمان بر گزیند.

۳. مشارکت یک امر ساده و بدون تشریفات خاص می باشد ولی ائتلاف دارای شرایط، قیود و پی آمدهای قابل پیش بینی است. در نظام ریاستی، رئیس جمهوری برای یک مدت معین توسط مردم انتخاب می گردد و به

مشارکت باعث قوت، استحکام و ثبات حکومت ها می گردد. رئیس دولت می تواند کادرهای شایسته و ورزیده را از میان احزاب به مشوره و یا بدون مشورهٔ رهبران آن برگزیند و یا افراد متخصص و کاردان وغیر وابسته را استخدام نماید

سادگی این مقام را از دست نمی دهد و فقط طبق صوابدید و براساس مصلحت ها، دیگران را در قدرت شریک و سهیم می سازد و هر زمانی که خواسته باشد، بدون خوف و هراس می تواند به آن پایان ببخشد!

در حالی که ائتلاف براساس یک معاهده صورت می پذیرد و دارای شرط و شرایط وقیودی می باشد و میزان شرکت در قدرت نیز براساس یک در صدی معین، از قبل مشخص می گردد و رئیس حکومت مجبور به رعایت مفاد معاهده می باشد. زیرا در صورت تخلف با خطر سلب اعتماد مواجه می گردد و در نتیجه حکومت او را سقوط و پارلمان را انحلال تهدید می کند و آنگاه انتخابات مجدد، یک امر ناگزیر خواهد بود.

۴. مشارکت باعث قوت، استحکام و ثبات حکومت ها می گردد. رئیس دولت می تواند کادرهای شایسته و ورزیده را از میان احزاب به مشوره و یا بدون مشورهٔ رهبران آن ها برگزیند و یا افراد متخصص و کاردان وغیر وابسته را استخدام نماید. بنا بر این مشارکت سیاسی باعث به وجود آمدن حکومت قوی، مقتدر، دیرپا و متخصص می گردد.

۵. در حکومت های مشارکتی، اعضای حکومت با حفظ تعهد حزبی می توانند همه به صورت یک تیم با رئیس دولت کار نمایند و معمولاً نظر و دستور می گیرند ولی در حکومت های ائتلافی به تعهد حزبی خویش بیشتر پابند هستند تا به ماموریت دولتی! و این امر باعث ایجاد کشمکش و چند دستگی در داخل کابینه می گردد و رئیس حکومت معمولاً نمی تواند تصامیم لازم و به موقع را به صورت مستقلانه اتخاذ نماید و همواره وسواس شکستن ائتلاف و از دست دادن اکثریت پارلمانی را در جریان اجراآت با خود می داشته باشد ولی به همه حال پذیرش اصل مشارکت و اشتراک مساعی نیروهای مطرح در امر بهبود امور، حفظ ثبات سیاسی و تشکیل حکومت مقتدر و مسؤولیت پذیر، پرستیژ و اعتبار حکومت ها و رؤسای آن ها را بالا می برد.

د ملي یووالی او سراسري پیوستون ضرورت

پامیر

زمونږ د وران ویجاړ هیواد د جوړولو لومړي شرط د بیلا بیلو قومونو تر منځ د خانخاني ختمول او د ملي پیوستون د جذبي پیدا کول دي که مونږ د خپل هیواد د ودانولو لپاره ټول امکانات ولرو او ټوله نړۍ زمونږ ملاتړ هم وکړي خو که په مونږ کي د فکر او نظر یووالي نه وي ، په مونږ کي یو دبل په وړاندي روغ نیت او صمیمیت نه وي او بالاخره په مونږ کي د ملي مرامونو د سرته رسولو لپاره همفکري او همرنګي نه وي او یو د بل ننګه او ملاتړ ونه کړو نو باور دي چي هیواد به هماغسي وران پاتي شي، یوه خبته به په بله کښي نښودل شي او نه به مونږ په دي بریالي شو چي یو ملي ولسواکه نظام جوړ کړو، قانونیت اعاده کړو، زور واکي او خپل سري پای ته ورسوو او هیواد ته ثلپاتي سول راوړو.

زمونږ د تاریخ تیر برم او فرهنګي ستر ارزښتونه ټول زمونږ د ملي یووالي ، زمونږ د ورونو قومونو د شریک تفاهم او کډوهلو خلو پایله ده. دي هیواد تل په ملي وحدت ستري امپراطوري جوړي کړي او د سوبو نیلي ني د هند تر نیمي وچي او یا اصفهان پوري رسیدلي دي خو کله چي په کي د خانخانی ، طمعي او خپل سری رنځ پیدا شوي دي نو بیا د هلاکت کندي ته لویدلي او له سترو کړاونو سره لاس او ګریوان شویدي نو د دغه راز رنځ د تداوي له پاره په مونږ کي میني ، ورورۍ ، یو دبل په وړاندي زغم او حوصلي او ملي وحدت ته ضرورت دي او هر څوک چي په دي خاوره کي اوسیږي هغه باید د قومیت ، نژاد، مذهب او سیمي په نامه خان یو له بله چلاونه بولي او نه یو د بل په وړاندي له کرکي او نفرت څخه کار واخلي لکه شاعر چي په موزونو کلیماتو کي دغه لوړ مفهوم بیان کړي او ویلي ني دي:

5 مخ

من بر پایهٔ توافقات قبلی حمایت خود را از ...

در همایشی که به مناسبت اعلام موضع جمعیت در قبال انتخابات به روز یک شنبه ۱۱ میزان در هتل زنبق طلایی برگزار گردیده بود شخصیت های جهادی، نمایندگان مردم و ژورنالیستان داخلی و خارجی حضور داشتند، همایش با قرائت آیات کلام الهی توسط قاری محمودالله فیروز و با گردانندگی محمد نسیم فقیری سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان آغاز گردید، متعاقباً استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، موضع خود را در قبال انتخابات ریاست جمهوری بیان نمود که متن کامل سخنان ایشان از نظر خوانندگان عزیز می گذرد.

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد:

برادران محترم!

در این روزها همهٔ ما در آستانهٔ تجربه یی مهم و تاریخی در حیات ملی وسیاسی خود قرار داریم. چند روز بعد بر مبنای قانون اساسی جدید کشور، انتخابات ریاست جمهوری آغاز می شود، جمعیت اسلامی افغانستان به همین مناسبت مطالبی را به پیشگاه ملت مؤمن و شرافتمند خود تقدیم می کند. اگرچه موضوع شورا وانتخاب زعامت سیاسی و زعامت های ملی از طریق انتخاب مستقیم خود مردم در فرهنگ دینی و رسوم ملی و تاریخی ملت عزیز ما ریشه یی عمیق دارد و مردم ما با مسألهٔ انتخابات وشورا بیگانه نیستند، اما انتخاب زعامت سیاسی به شیوهٔ جدید در کشور ما از تازگی برخوردار می باشد.

امروز ملت عزیز ما وهمه جهانیان منتظر جریان انتخابات و نتایج آن هستند. جمعیت و ما از عموم ملت عزیز، سر افراز وشرافتمند افغانستان می خواهیم، انتخابات را در فضای امنیت و دور از اخلال گری و تشنج به پایان برسانند و از هر عملی که باعث ایجاد فتنه و آشوب می گردد پرهیز نمایند. امیدواریم، انتخابات در کمال شفافیت، به دور از تقلب و دستبرد صورت بگیرد.

مشارکت جامعهٔ جهانی در امر تأمین امنیت و بازسازی، یک فرصت تاریخی است که نباید آن را ضایع ساخت، در حالی که از انتخابات و زمینه های جدید آن، در حیات سیاسی و ملی خود یاد می کنیم، نباید فراموش کنیم که این زمینه از روی تصادف و اتفاق به میان نیامده است بلکه آن محصول فداکاری ها و رشادت های مجاهد مردان وشیر زنان این کشور می باشد که در طول دوره های جهاد و مقاومت با دادن ده ها هزار قربانی این فرصت را فراهم نموده اند. به روان همهٔ شهدای عزیز کشور، شهدای جهاد و مقاومت درود می فرستیم و از حماسه آفرینان کشور و دلیر مردان مجاهد افغانستان با تقدیر و تمجید یاد می کنیم.

بعد از پیروزی مجاهدین، جنگ های تحمیلی و توطئه های سیاه و خونین دشمنان، موانعی را ایجاد کرد، در حالی که هدف و آرزوی مجاهدین در مبارزات عظیم تاریخی وحماسه های بزرگ شان، افغانستان آزاد، آباد، متحد، دفاع از ارزش های دینی، تاریخی و فرهنگی، وحدت ملی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی بود، مجاهدین تشنهٔ قدرت نبودند و آرمان شان رسیدن به سلطه نبود.

دوستان عزیز!

شما و تعدادی زیاد از مردم ما در داخل کشور و در بیرون از کشور در محیط هجرت و آوارگی در انتظار این هستند که موضع جمعیت اسلامی را که یکی از جریان های بزرگ کشور در دوران جهاد و مقاومت بوده است بدانند که از چه کسی حمایت می کند؟ شکی نیست که درمیان کاندیداهای محترم شخصیت هایی بس ارجمند و محترم هستند که من شخصاً به تعداد زیادی از آنها احترام عمیق و پیوند بسیار قوی دارم و به شایستگی تعدادی از این کاندیداها اطمینان دارم، اما طوری که دوستان اطلاع دارند، چند ماه قبل جمعی بزرگ از فرماندهان، رهبران جهادی و علمای محترم، طی نشست هایی متعدد مطالبی را تحت عنوان آجندای ملی مطرح کردند وبه توافق رسیدند که عبارت بود از:

- حفظ ارزش های دینی در کشور - دفاع از دست آوردهای جهاد و مقاومت - مبارزه با فساد اخلاقی و فساد اداری - تحکیم و حدت ملی - عدالت اجتماعی - بازسازی متوازن - شایسته سالاری - توجه به خانواده های شهدا - رعایت و توجه به معلولین جهاد و مقاومت - نقش انکار نا پذیر مجاهدین در ادارهٔ کشور - مشارکت ملی - مبارزه با تروریزم - مواد مخدر و مواد نشه آور - مقابله با اسلام زدایی- جهاد ستیزی و سایر مطالب.

دوستان طی جلسات مختلف روی این قضایا بحث نموده و طی چند ماده، این مسائل را تنظیم کردند، البته دیدارهای متعددی با جناب حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان هم داشتند. از این رو تاجایی که به جمعیت اسلامی مربوط بود از میان اعضای خود کاندیدایی مشخص نداشت. لذا در جلسات، دوستان همه طرفدار این بودند تا تصمیم خود را به صورت جدا جدا نه که به گونهٔ جمعی بگیرند. طی نشست هایی متعدد با جناب حامد کرزی وطرح این قضایا و سرانجام به تاریخ ۶ جوزای سال جاری طی نشستی وسیع که در تالار صدارت عظمی صورت گرفت. روی این آجندا در حضور جناب حامد کرزی توافق صورت گرفت که ما روی این نقاط از جناب حامد کرزی حمایت می کنیم. هم چنان جناب حامد کرزی در این اجلاس با تعدادی از معاونان خود حضور به هم رسانیده بودند و از این مطالب استقبال نمودند که بعد از آن تاریخ، کدام تغییری عمده در جریان امور به میان نیامده است.

من با در نظر داشت این توافقات که به آن اشاره کردیم اکنون از انتخاب احمد ضیاء مسعود به عنوان معاون اول آقای کرزی کاندیدای ریاست جمهوری نیز استقبال وحمایت می کنم و یک بار دیگر در روشنایی همان توافقات قبلی حمایت خود را از انامزدی جناب حامد کرزی مطابق به همان تفاهمات، بار دیگر اعلام و تأکید می نمایم.

ناگفته نماند، در جریان هفته های اخیر، حوادث اسف باری در برخی از نقاط کشور عزیز ما صورت گرفت که مایهٔ نگرانی عمیق ماست، حملهٔ وحشت بار یکی از اعضای باند مافیایی به نام امان الله بالای شیندند و قتل بی رحمانهٔ ده ها تن، سر بریدن و چور و چپاول منازل مردم شیندند حادثه یی بس اسفناک و درد انگیز است. ما در حالی که این حادثه را جداً تقبیح می کنیم، خواهان اعزام هیأتی با صلاحیت هستیم تا موضوع را مورد تحقیق و بررسی قراردهد ومجرمان به جزای اعمال خود برسند.

جناب امیر اسماعیل خان یک تن از چهره های تابناک جهاد و مقاومت و یکی از قهرمانان صلح و بازسازی کشور عزیز ماست. در تبدیلی او شتابزدگی به عمل آمد، مردم افغانستان و کشور عزیز ما در راه صلح و ثبات و در راه بازسازی به سهم گیری این چهره های ارجمند در نظام اداری و سیاسی کشور سخت نیازمندند، ما در حالی که تجاوز بر ادارات ملل متحد را در شهر هرات طی مظاهره یی که صورت گرفت امری مذموم می خوانیم با هر عملی که باعث اخلال امنیت و تداوم بحران در کشور باشد مخالف هستیم. جمعیت مخالفت خود را با نفاق ملی، اختلافات قومی و نژادی، برتری جویی های قومی اعلام می کند، جمعیت مخالفت خود را با اسلام ستیزی، مجاهد زدایی، بخش فحشا و فساد اخلاقی تبلیغات سوء علیه ارزش های دینی و افتخارات ملی و تاریخی جداً اعلام می دارد و از نظر ما این نوع امور عامل مهم در ایجاد بد امنی و تداوم بحران در کشور است که باید همه با این پدیده ها مبارزه کنیم.

وجود گروه های غیر مسؤول، و اسلحه به دست هرکس و ناکس یقیناً یکی از عوامل بد امنی در کشور است.

ما در حالی که با برنامه دی دی آر موافقت داریم، جداً مطالبه می کنیم که فرماندهان و مجاهدین ارجمندی که سلاح های خود را برمبنای این برنامه تسلیم می نمایند، نباید در زوایای نسیان وکس میرسی قرار گیرند و قربانی ها و فداکاری های شان فراموش گردد.

تروریزم و دهشت افگنی، امری مخالف با ارزش های دینی است که ما با آن جداً مخالف هستیم. کشت تریاک وشیوع مواد مخدر ومسکرات، جامعه را به سویی سوق می دهد که باید با آن جداً مبارزه نمود.

جمعیت خواهان تعیین زمان مشخص برای انتخابات پارلمانی است، ما طرفدار هستیم تا وقت برگزاری انتخابات پارلمانی مقدم شود و از رئیس جمهور منتخب جداً مطالبه می کنیم که خلای پارلمانی را تا زمان برگزاری انتخابات پارلمانی روی یک میکانیزم اصولی پر نماید.

هدف از تصمیم جمعیت، احترام به همان تصمیم دسته جمعی و اتفاقی است که جمعی بزرگ از فرماندهان وعلما به خاطر ثبات سیاسی و تأمین امنیت در کشور اتخاذ کرده بودند. یکبار دیگر آن تصمیم را که اکثر دوستان بر آن اصرار دارند، تأیید می کنیم، اما تأیید به این معنی نیست که در برابر کج روی ها بی تفاوت هستیم، وقتی که دیده شود کسی پاکج می نهد و در جهت ضد منافع ملی حرکت می کند، هرکسی که باشد جمعیت در آن مرحله خاموش نخواهد بود و موضع گیری جدی و قاطع خود را اعلام خواهد کرد، پس باید همه بکوشیم تا فضایی در کشور حاکم شود که امنیت مستحکم و ثبات سیاسی را ضمانت کند عدالت اجتماعی استحکام پیدا کند، زمینه برای بازسازی مساعد شود. از حضور جامعهٔ جهانی که یک فرصت تاریخی برای ملت ماست درست بهره گرفته شود. یکبار دیگر از دوستان تشکر می کنم.

استاد پس از سخنرانی به پرسش های خبرنگاران پاسخ ارائه نمودند.

استاد در پاسخ به این سؤال که اگر یکی از کاندیداها از پنجاه درصد رأی بالا نیارد، آیا انتخابات دوباره صورت خواهد گرفت یانه، گفتند:

من به این عقیده هستم که دراولین انتخابات مطابق به نص قانون اساسی - کسی که کمتر از پنجاه ویک درصد رأی را بگیرد طبعاً انتخابات به دور دوم می رود وهیچ کسی حق ندارد که ماده یی از قانون را ملغی کند.

استاد در پاسخ به این پرسش که در جلسات شما با آقای کرزی شماری دیگر نیز وجود داشتند که حالا یا از کاندیدای دیگری حمایت می کنند ویا خود شان کاندیدا هستند بنابر این، سؤال مطرح می شود که انتخاب آقای احمد ضیاء مسعود به عنوان معاون آقای کرزی باعث شده است که شما بر توافقات قبلی پافشاری کنید هرچند که بعضی از اعضای جلسه بر آن موافق نیستند، گفتند:

ص ۸



حملهٔ وحشت بار یکی از اعضای باند مافیایی به نام امان الله بالای شیندند و قتل بی رحمانهٔ ده ها تن، سر بریدن و چور و چپاول منازل مردم شیندند حادثه یی بس اسفناک و درد انگیز است. ما در حالی که این حادثه را جداً تقبیح می کنیم، خواهان اعزام هیأتی با صلاحیت هستیم تا موضوع را مورد تحقیق و بررسی قراردهد ومجرمان به جزای اعمال خود برسند

•••

اختلافات قومی و نژادی، برتری جویی های قومی اعلام می کند، جمعیت مخالفت خود را با اسلام ستیزی، مجاهد زدایی، پخش فحشا و فساد اخلاقی تبلیغات سوء علیه ارزش های دینی و افتخارات ملی و تاریخی جداً اعلام می دارد و از نظر ما این نوع امور عامل مهم در ایجاد بد امنی و تداوم بحران در کشور است که باید همه با این پدیده ها مبارزه کنیم

تخت و ترانه

میاگل مجددی

نه آسمان و نه دور زمانه می ماند
نه تاج و تخت وجلال شهانه می ماند
نه التفات بهار و نه جوش و جلوهٔ گل
نه عندلیب و نوایی شبانه می ماند
دریغ و درد به آزاده مرغ طماعی
که پا به دام، به امید دانه می ماند
شراب کهنه وساقی جوان وماه منیر
چه قصه بهتر از این، عاشقانه می ماند
دو روزه دور فلک را که زندگی نامند
سزد به آنکه زپایش نشانه می ماند
غمین نیم که مرا تخت و بارگاهی نیست
زشاه تخت و زحضرت ترانه می ماند

عـــدالت

گل پاچا الفت

فرق د حق او د باطلو لوي حکمت دي
د دماغ او زړه همدغه عبادت دي
چي صادق او خاين بيل کړي يو له بله
اوس په کار موږ ته همدومره بصيرت دي
بي له علمه بي له عدله بي له رحمه
په چا باندي روا کله حکومت دي

که مي څوک په لښه ووهي ظالـم دي
که قانون مي غوڅوي سر عدالت دي
ديوه شخص نوکري خو غلامي ده
لوي عزت د خپل وطن او قام خدمت دي
چي خپل ځان ګڼي خادم د خادمانو
په دي راز ښه پوهيدلي نن الفت دي

دو جفت ماه

زهرا حسین زاده

همان که این چنین مرا به پشت می کشد
مقابلم غریبه یی چنان تو نیز می کشد
دو جفت ماه در اتاق شب شهید می شوند
بلا برای ما دو چشم در گریز می کشد
سکوت می کنم، تو حرف می زنی سکوت ... حرف
کجا رسد به همه دولب که ریز ریز می کشد
جدل نکن که قهر وناز من کلافه می کند
که آفتاب برف را به این ستیز می کشد
غزال من ! به دشت می زنی و محو می شوی
زمانه ازپی ات مرا در افت و خیز می کشد
به رنگ خوابها یمان که نازک است قایقی
وکلبه یی میان آب در "ونیز" می کشد
من و تو را کنار هم هبوط داد بر زمین
ادامه دارد این جهان دگر چه چیز می کشد

یک روشنایی، در افق کوکچه

سیری در شعر واندیشهٔ میاصاحب سید عبدالکریم حسینی

همایون حافظی

بدخشان صاحب جغرافیایی شگفت انگیز است در تاریخ پر فراز ونشیب ، با گسترهٔ فرهنگی پر تلألؤ، پهنهٔ فرهنگی این دیار را ستارگانی درخشانی نور می بخشند، که در خشش شان در پهنای زمان است زمانی که همواره آبستن نو آوری و نو زایی است این نوزادگان رشد می یابند، بالنده می شوند، می شگفند و بار می دهند تا از خود یاد بودهایی برجای گذارند.

بعد ما چندین بهار افسانه خواهد کرد گل
قصهٔ محرومی ما یاد گار دیگر است(۱)

با این بیان پر مفهوم و شیوای میا صاحب سید عبدالکریم حسینی، این بحث را ادامه می دهیم. در سرزمین ما اهل خرد و اندیشه، آنانی که نیک کردار و نیک گفتار اند همواره در کنج عزلت محرومیت کشیده اند و بیدل فرموده است:

متانت کان الماس از قوی بنیادی همت
دلیری ها جگر سامانی کوه بدخشانش

و آنگاه که در کمال تحسر بیان می دارد:

جهانی را به حسرت سوخت این دنیای بی حاصل
چه یا قوت و کدا مین لعل آتش در بدخشانش

این دو طرز بیان از یک دیدگاه در پیرامون یک جغرافیای معین نمایانگر این است که در جوار برازندگی ها، محرومیت هایی وجود دارد که نتیجهٔ مبارزه و کشمکش های ذات البینی این دو موقعیت را تاریخ می نامند و ما به تاریخ فرهنگی خویش نظر می کنیم، چون تداوم این روند را در استعاره و رمز بازگویی می کند.

تاریخ فرهنگی سرزمین ما مملو از یاد بود هاست. یاد بود هایی به درخشندگی ستارگان آسمان ؛ ستاره درخشانی در گستردهٔ تاریخ معاصر فرهنگی دیاران کوکچه که هر چند گاهی سوی مان چشمک می زند. از لابلای گلبرگ های رنگین بهار بدخشان، ما را به پهنهٔ رمز آگین و راز آفرین شعر و معرفت فرا می خواند. این ستارهٔ درخشان گسترهٔ نیلگون فرهنگ دیر پایمان، قاری میا سید عبدالکریم حسینی بدخشی می باشد.

سید عبدالکریم فرزند سید میرک خان (نالـه) فرزند سید عزیز الله خان در سال ۱۳۱۵ قمری در یک خانوادهٔ روحانی و فرهنگی تولد شد.

مرحوم شاه عبدالله یمگی بدخشی در ارمغان بدخشان ، پدر میا صاحب را چنین توصیف نموده است: "سید میرک خان (نالـه) یک شخص عالم، متورع ، با اخلاق ، حافظ قرآن کریم و با مزایای فوق، شاعری شیرین زبان و ادیبی بلیغ بوده ، نظر به لیاقت و قابلیتی که داشت در روزگار امیر عبدالرحمن خان به نیابت ریاست احتساب بدخشان مقرر شد و تا خاتمهٔ عمر مصروف خدمات شرعیه بودند.

منسوبان وجود مغفور همه اصحاب فضلیت بوده اند. فاضل محترم معاصر آقای سید عبدالکریم خان حسینی مؤلف تذکره های بهار بدخشان و مفرح الاحباب پسر این شخص هستند... فضلیت مآب ممدوح در آغاز سال ۱۳۲۶ هجری قمری به عالم باقی شتافته و در فیض آباد مدفون شده اند." (۲)

سید عبدالکریم حسینی تعلیمات ابتدائیه را از پدر فرزانه کسب نمود و به توصیهٔ پدر بزرگوار جهت فراگیری تحصیلات علوم مروج و به خاطر کسب فیض از صحبت بزرگان به خدمت علمای کرام و مصاحبت فرزانگان، همت گماشتند و کلام الهی را به حافظه سپرده و تحت رهنمایی ملا محمد عمر خان حسرت به حسن خط دسترسی یافته و به حیث عارف و سخنور مطرح در جامعه عرض اندام نمودند.

در شعر و سخنوری حسینی تخلص می نمودند که راجع به گزینش این تخلص در بهار بدخشان چنین آمده است: "حسینی تخلص من به دو سبب است: یکی آن که حضرت استاد حسن خط مغفورم ملا محمد عمرخان حسرت تبرکاً به همین تخلص اجازت و ارشاد داشته بودند. دوم نسب حضرت پدرم به شاه شهیدان حضرت امام سوم رضی الله عنه به سی و یک واسطه شرف وصول دارد." (۳)

میا سید عبدالکریم حسینی در شهر معرفت پرور فیض آباد مشهور و معروف به میا صاحب بودند. که من در توضیح صفات نکوی ایشان در این نوشته این لقب معروف ایشان را برگزیده ام و با تأیید این فرمودهٔ لسان الغیب حافظ شیرازی:

گوهری پاک بباید که شود لایق فیض
ورنه هر سنگ و گلی گوهر و مرجان نشود.(۴)

میا صاحب حافظ کلام الله مجید بودند، و کلام الهی را به صورتی هنرمندانه به خوانش می گرفتند. ایشان با لحنی خوش، حنجره یی صاف و گیرا ندای ملکوتی کلام حق را از شاهراه گوش شنوا بر قلب های مملو از صفا مسلط ساخته، روح و روان شنونده را به سوی عالم لاهوت به جولان می آوردند.

میا صاحب آموزگاری بودند با پشتکار و مهربان که فرزندان وطن را با جهانی از آرزومندی طوری رهنمایی و پرورش می نمودند، تا دانش آموز ابجد خوان حضور ایشان دانشمند، متخصص و شخصیت مؤثر دوران زندگی خویش بار آید.

میا صاحب عارف وارسته وشاعری بودند شیوا بیان وشیرین زبان که شیرینی سخنان لسان الغیب حافظ شیرازی را با تحیر صاحب دلانه، اندیشه و بیان میرزا عبدالقادر بیدل درهم آمیخته، معجونی سکر آور از خامه بیرون می دادند تا بهار سخن را شمیم نگهت آن دل انگیز تر سازد.

میا صاحب خطاطی بودند چیره دست که با نفوذ روح واژه ها نه تنها هنر ترنم حرف را می دانستند، بلکه با ارائهٔ هجا ها و واژه ها در شکل زیبا و دل انگیز، و آزین بخشیدن صفحهٔ کاغذ با آنها از لابلای انگشتان هنر آفرین خویش زیبایی های کمال خوش نویسی را به نمایش می گذاشتند. قرار اظهار خودشان در بهاربدخشان حسن خط را از نزد مرحوم ملا عمر خان حسرت فرا گرفته بودند.(۵)

ادامه دارد

چاته وژارم؟

پامير

وائي په تيرو زمانو کي يو پاچا ناروغه شو، د نري زيات شميري طبيبان ئي له علاج کولو نه نا اميده شول او دوا درملو پري هيڅ اثرونه کړ، په پاي کي يو طبيب ورته وويل: ستا د تداوي لپاره ديو پنځلس کلن هلک د زړه غوښه دواده چي بايد د کباب په شکل ئي وخوري.

پاچا امر وکړ چي څوک داوطلب راپيدا کړي او يا چا ته ډيري پيسي ورکړي چي درملنه ئي وشي، څو ورځي خلک وګرځيدل خو په پاي کي يو بي وزله پلار چي له زياتي تنګسي او لوږي سره مخامخ و دي ته حاضر شو چي خپل تنکي زوي د زياتو پيسو په مقابل کي پاچا ته لکه د قرباني ګډوري قرباني کړي او زړه ئي د هغه په واک کي ورکړي چي د رنج درملنه ئي وشي.

او خپله هم خپل نور زيات شمير ماشومان له لوږي او مرګخخه وژغوري.

پاچا ويل ددي له پاره چي دسبا ورځي له بدنامي نه خلاص شي او خلک ونه وائي چي پاچا ظلم وکړ ددي هلک د مرګپه باب دي له محکمي نه فيصله واخستي شي.

محکمي هم خپله پريکړه په لاندي جملو کي صادره کړه: "څرنګه چي د ملت ژوند د پاچا سلامت ژوند پوري تړلي دي او ددي ځوان په وژني سره د پاچا ژوند راستنيږي نو ددي هلک مرګد پاچا له پاره جواز لري".

له فيصلي نه وروسته پاچا امر وکړ نوموړي هلک حلال او زړه ئي ورته کباب کړي. کله چي جلادانو هلک د حلالولو ځاي ته روانولو نو په دي وخت کي ئي بي اختياره په کټ کټ وخندل. پاچا حيران شو او پوښتنه ئي تري وکړه دا چي ته وژل کيږي بايد وژاړي خو ته خاندي علت ئي څه دي؟

هلک ورته وويل: لومړي مرجع دعرض، پوښتني او ژغوني زما پلار و هغه خو د پيسو لپاره په مرګباندي خرڅ کړم، د عرض دويم ځاي محکمه وه هغي هم زما د وژلو فيصله صادره کړه ، دريم ځاي ستاسو عدالت و تاسو هم د خپلي سلامتيا په خاطر زما وژنه جايزه وبلله. نو له ډيري ناميدی او مايوسي څخه مي بي اختياره وخندل چي اي لويه خدايه يواځي تاته مي اسره پاتي شوه او بس ته ووايه چا ته وژاړم او له چانه عدالت وغواړم: زموږ د ټولني ، زموږ د پاچا او زموږ د محاکمو عدالت خو بس دادي چي ديو چا د ژوند په خاطر بايد بل څوک ووژل شي، د يوچا د کور د آبادولو په خاطر بايد د بل کور وران شي او که د ملک د پاچا د صحت او يا د هغه د قدرت ساتلو مساله وي نو بايد ډير کسان ووژل شي او له ډيرو څخه قدرت واخيستل ، داده زموږ د ټولني د معشيت لاره دادي، زموږ دود او دادي زموږ دلويانو د پاينت او سلامتيا دستور.

اي خدايه! په موږ مهرباني وکړي، موږ اصلاح کړي، په موږ کي ديو بل په وړاندي زغم او حوصله پيدا کړي او اي خدايه موږ په دغه فاني نړي کي د ازمايښت له دغه لنډ تنګ دوران څخه بريالي راوباسي موږ ته نرم زړه او مهربانه چلند راکړي او موږ ته توفيق راکړي چي ستا له رضا سره سم وچليږو او تا ته تور مخي درنه شو.

پس از انتخابات ۱۸ میزان

آیا حاکمیت سیاسی مشروعیت می یابد؟

اعزامی

هم روایات اسلامی ما در باب دولت و زمامدار و هم مقوله های سیاسی نقل شده از علما و فلاسفهٔ عصر حاضر، حاکی از آن است که زمامداری و حاکمیت حق مسلم و بلا منازع مردم است، هرگاه این حق مسلم از جانب اولیای امور و ارباب اقتدار به مردم به آنان تفویض گردد و اقشار و طبقات مختلف ملت، بدون مانع و منهای تقلب، فشار و تهدید رأی و نظرشان را ابراز نمایند و نخست طرق اجرای اصول اساسی نظام سیاسی دلخواه شان را پی گیری کنند و در ثانی رهبر سیاسی خویش را به میل و ارادهٔ آزاد خویش برگزینند، آنگاه می شود که از مشروعیت حاکمیت و نظام سیاسی حرف زد. در گذشته به نسبت عدم قانونمند بودن نظام های سیاسی، این حق به طور کامل به ملت سپرده نشده بود و زمامداران به خاطر بقای حاکمیت خویش با لطایف الحیل در چشم ملت خاک می پاشیدند و با گرفتن الهام از خارج مرزها و با تمسک به عقاید ونظریات غیر اسلامی سرنوشت مردم ما را بد رقم زدند. مقطع زمانی کوتاه پس از پیروزی مجاهدین وتشکیل دولت اسلامی قرار بود نظام سیاسی مردمی راهش را باز یابد ولی به علل گوناگونی از جمله مداخلات خارجی، حرص و آز بعضی عناصر و گروه ها برای احراز قدرت، کم تجربگی وناپختگی مجاهدین در برخی از موارد در میدان سیاست و بالآخره اشتعال جنگ های داخلی به تحریک دشمنان داخلی و خارجی، همه آرزوها و خواسته های مردم را برآورده نشد و سرانجام در تمام ابعاد، بحران کشور ما را فرا گرفت.

انتخابات ۱۸ میزان چالشی فرا روی ملت ماست، اگر مردم از این چالش پیروز بدر آمدند و توانستند از فرصت مساعد شده، بهره برداری خوب نمایند و با رأی آزاد شان زعیم کشور خویش را تعیین کنند، بدون شک با شکستن سنت های پیشین، در مسیر مشروعیت بخشیدن حاکمیت . گام اول را گذاشته اند و این روند در قدم های بعدی مراحل تکاملی خود را می پیماید و معایب و نواقص موجود، نیز مرفوع خواهد گردید. زیرا تعیین زعامت کشور از طریق برگزاری انتخابات عمومی ، آزاد، سری ومستقیم، اولین تجربهٔ مردم سالاری در افغانستان است. طبیعی است که این تجربه برای مردم ما که پس از تحمل سال ها رنج و مرارت، تازه نفسی به راحت کشیده اند، حاوی دستاوردهایی مثبت و منفی می باشد. دستاورد مثبت آن عبارت از کسب مشروعیت حاکمیت و تمثیل نسبی ارادهٔ آزاد مردم در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه می باشد و اما دستاورد منفی آن این خواهد بود که روند انتخابات در کشور ما در شرایطی راه اندازی شده که شرایط عینی و ذهنی جامعه، به طور کامل برای تنفیذ آن مساعد نبوده و مردم به نسبت عوامل گونه گون، هنوز قادر به اظهار ارادهٔ آزاد و و اقعی خویش نیستند. ارباب زرو زور و تزویر هنوز در کمین نشسته اند و مردم را تهدید می کنند که عقیده و آرمان خود را ابراز نکنند.

باید میان دو مسأله فرق بگذاریم، یکی بحث مشروعیت بخشیدن نظام است و دیگری بحث مشروعیت بخشیدن زمامداران، در نتیجهٔ انتخابات ۱۸ میزان سؤال مشروعیت بخشیدن زمامدار و یا هیأت حاکمه تا حدی حل خواهد گردید و آنچه که موجب می شود تا نظام سیاسی و اجراآت زمامداران کسب مشروعیت کند، عبارت از برگزاری عادلانه و آزاد انتخابات پارلمانی است. در قانون اساسی مصوب لویه جرگهٔ ۱۳۸۲، پارلمان به مثابهٔ رکن عمدهٔ نظام سیاسی کشور نشان دهی شده و قرار بود که انتخابات پارلمانی همزمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردد، ولی اولیای امور به دلایلی ناموجه، انتخابات پارلمانی را به تأخیر انداختند. تا زمانی که شورای ملی نقش اساسی خود را مطابق مفاد قانون اساسی ایفا نکند، بحث مشروعیت نظام و حکام، ناقص جلوه می کند زیرا پارلمان است که به عنوان مرجع سیاست گذار و مقنن بر اجراآت قوهٔ اجرائیه نظارت می کند و با دادن مشوره هایی لازم و مردم پسند، ارادهٔ مردم را در سرنوشت سیاسی تمثیل می کند. متأسفانه در دورهٔ مؤقت و انتقالی به این مسأله توجه شایانی نشد و مصالح فرعی براصول غلبه کرد وطی سه سال هیأت حاکمه بدون پارلمان، کشور را اداره کرد. قابل تذکر است که با تصویب قانون اساسی در لویه جرگهٔ سال ۱۳۸۲ نظام سیاسی ما تا حدی قانونمند گردید، مگر به نسبت عدم تشکیل پارلمان، هنوز نظام سیاسی ما از مشروعیت کامل برخوردار نیست، امید است که این نقیصه به دنبال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری هرچه زود تر بر طرف گردد.

تعیین زعامت کشور از طریق برگزاری انتخابات عمومی ، آزاد، سری ومستقیم، اولین تجربهٔ مردم سالاری در افغانستان است

روی همرفته انتخابات ۱۸ میزان با همه تبعات مثبت و منفی آن، برای مردم ما یک تجربهٔ جدید و پسندیده است و باوجود یک سلسله کمی ها وکاستی ها، حد اقل برای مردم این فرصت میسر می شود که زعامت ملی کشور را برگزینند و رأی شان در تعیین سرنوشت سیاسی کشور دخیل گردد، تجربهٔ تعیین زعامت ملی از طریق انتخابات در حقیقت خط بطلان کشیدن بر نظام های استبدادی، و کودتایی است و بعد از این مردم فرمانروا و زعیم خویش را از مجرای طبیعی آن انتخاب می کنند، این تحول در کشور جنگ زدهٔ ما نقطهٔ عطفی است که مردم نباید آن را دست کم بگیرند، و برهمه دست اندر کاران لازم است تا رسالت ایمانی و وظیفه دینی خویش را در این راستا با اخلاص و صداقت انجام داده و برای مردم از انتخابات و نتیجهٔ آن، تصویری روشن و شفاف ارائه بدهند.

رسالت کمیسیون مشترک برگزاری انتخابات از همه مهم تر جلوه می کند، امانت داری، صداقت و شفافیت در کار تدویر انتخابات یگانه راه برگزاری سالم و عادلانهٔ این مهم است، گرچه چندی قبل به تعداد پانزده تن از کاندیدا های ریاست جمهوری، نا رضایتی شان را از اعضای کمیسیون انتخابات ابراز داشتند و خواهان کنار رفتن اعضای کمیسیون وشخص آقای کرزی از وظایف محوله شدند، ولی اولیای امور به استناد مواد قانون ومصالح دیگر به این تقاضا جواب رد دادند و کمیسیون کما فی السابق به کار خود ادامه می دهد، در همچو وضعیتی حالا براعضای کمیسیون مشترک انتخابات است که بی طرفی، صداقت وانصاف خویش را در کار تدویر انتخابات با کمال شفافیت به نمایش بگذارند تا پس از اعلام نتیجهٔ انتخابات، کاندیدا ها در مورد عملکرد کمیسیون ایرادی نگیرند.

رسالت کمیسیون مشترک برگزاری انتخابات از همه مهم تر جلوه می کند، امانت داری، صداقت و شفافیت در کار تدویر انتخابات یگانه راه برگزاری سالم و عادلانهٔ این مهم است

صبر، تقوا، خویشتن داری، قناعت و خون سردی کاندیداهایی که در انتخابات موفق نمی شوند عامل مهم پیروزی وشفافیت انتخابات می باشد، طبیعی است که با اعلان نتیجهٔ انتخابات تنها یک نفر به پیروزی می رسد و دیگران از وصول به کرسی اقتدار ریاست جمهوری محروم می مانند، اما قناعت و اذعان کاندیداهای ناکام به نتیجهٔ اعلان شدهٔ کمیسیون مشترک، پس از شمارش آرا، معرف سطح فرهنگ ایشان به شمار می رود و اگر کاندیداها به نتیجهٔ انتخابات قناعت نکرده و دست اندرکاران انتخابات و دولت را متهم به مداخله و یا تقلب کنند، بدیهی است که در صورت چنین پیشامدی، چهرهٔ انتخابات مخدوش گردیده و شک و گمان هایی را در داخل و خارج دامن می زند و انتظاراتی که مردم از انتخابات داشتند، بر آورده نمی گردد.

بر نیروهای امنیت وهمکاری بین المللی است تا در جریان برگزاری انتخابات، بی طرفی کامل خود را حفظ نمایند و بدون رجحان و میلان به یکی از کاندیداها، بر روند انتخابات نظارت سالم کنند و با این کارشان حدس و گمان هایی را که در بعضی از رسانه ها به آن اشاره می شود تکذیب نمایند.

دیدگاه هایی از کاندیداهای ...

آقای قانونی به ولایات داشت بیشتر از همه به استقبال مردم مواجه شده، و برای ورود وی کم ترین تدابیر امنیتی گرفته شده است که این خود محبوبیت آقای قانونی را در بین مردم افغانستان نشان می دهد.

او در خط مشی خود بنای افغانستان نوین را بر پنج اصل : اسلام ، ثبات، استقلال، رفاه و همکاری متقابل با جامعهٔ جهانی استوار خواند و افزود: مطلب ما از حکومت اسلامی اعتدال گرایی است. نه افراط طالبانی را خواهانیم و نه تفریطی که دین را باژگونه می نمایاند.

او در خط مشی خود اقتصاد افغانستان را بر سه اصل: صنعت، تجارت و زراعت متکی دانست و گفت که در صورت پیروزی صادرات و واردات افغانستان را متوازن خواهد ساخت.

●●●

عبدالهادی خلیل زی یک تن دیگر از کاندیداهای ریاست جمهوری از مشکلات کاندیداها صحبت نمود. و گفت: در کمپاین انتخاباتی وی هیچ گونه کمکی از طرف نیروهای دولتی با او صورت نگرفته و اکثر دست اندرکاران دولت به نفع آقای کرزی کمپاین می کنند.

آقای خلیل زی این امر را نقض قانون خواند و گفت که آقای کرزی در این مورد قانون را زیر پا می کند و این انتخابات عادلانه نخواهد بود.

●●●

دکتر مسعوده جلال در انتقاد از دولت انتقالی گفت: آقای کرزی از امکانات دولتی برای کمپاین خود استفاده می نماید.

وی در خط مشی خود عدالت اجتماعی را مهم تر قلمداد نمود و گفت:ما در صورت پیروزی تساوی حقوق همه اقوام افغانستان را رعایت خواهیم نمود و در دولت خویش بر اصل عدالت اجتماعی در همه عرصه ها اعتقاد داریم وحقوق بشر را رعایت خواهیم نمود. خانم جلال خاطر نشان ساخت که اگر ملت به وی اعتماد کند در قسمت کسانی که زمین های شان غصب شده است تصمیم جدی خواهد گرفت و حق را به حقدار خواهد رسانید. او هم چنان بر خدمات صحی رایگان، بلند بردن طب وقایه، مساعد ساختن مشارکت زنان در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأکید نمود.

●●●

سید عبدالهادی دبیر در سخنرانی خود یکبار دیگر بر ایجاد شورای بزرگ علمای افغانستان در پارلمان تأکید نمود.

وی گفت: چون خود جوان هستم بناءً توقع من از جوانان افغانستان این است که به من رأی دهند او هم چنان علاوه نمودکه در راستای ایجاد جامعهٔ مدنی سعی خواهد ورزید و به تمام اقوام افغانستان یکسان حقوق قائل خواهد شد و به تبعیض در افغانستان خاتمه خواهد داد.

میر محمد محفوظ ندایی در خط مشی خود بر تجدید نظر نصاب تعلیمی اشاره نمود و گفت که اگر در انتخابات پیروز شود به خانواده های بی سرپرست و بی نوا برنامه های درستی را عیار خواهد نمود و خدمات صحی بهتر را در سراسر افغانستان توسعه خواهد بخشید.

●●●

همایون شاه آصفی در خط مشی خود، تعهد نمود که اگر مردم به وی رأی دهند حکومتی را ایجاد خواهد کرد که مورد قبول همهٔ افغان ها باشد، وی گفت که هدف من فقط منافع ملی، دفاع از وطن و ایجاد افغانستان واحد خواهد بود. او همچنان در خط مشی خود بر دموکراسی وشایسته سالاری در چهارچوب ارزش های اسلامی تأکید نمود و گفت: چون زنان نصف جامعهٔ ما را می سازند حقوق آنها را به جدیت اعاده خواهیم نمود.

آقای آصفی در صحبت های شش دقیقه یی خود ضمن انتقاد از دولت آقای کرزی گفت: دولت او نتوانست مسؤولیت خود را به صورت درست انجام دهد و دلایل ناکامی دولت وی را سه چیز برشمرد:

۱- عدم بینش سیاسی برای آیندهٔ افغانستان.
۲- سازش های پشت پرده با گروه های مختلف.
۳- توجه به قدرت خودش بدون توجه به منافع ملی کشور.

●●●

عبداللطیف پدرام کاندیدای دیگر ریاست جمهوری در صحبت ۶ دقیقه یی خود نقاط اساسی خط مشی خود را باردیگر تکرار نمود.

ص۶

انتخابات وشکل گیری جامعهٔ مدنی

ع. بدخشانی

در مورد تعریف دقیق جامعهٔ مدنی اشکالاتی وجود دارد. بعضی ها ریشه های آن را در خرابه های یونان وروم سراغ می کنند و برخی دیگر، آن را از مقوله های مدرنیته و رنسانس در غرب می دانند. اما آنچه در مورد جامعهٔ مدنی عمومیت دارد، همانا حقوق شهروندی است که فرهنگ آن تفاهم ، سازش و همزیستی می باشد که در برابر فرهنگ استبداد و خشونت قرار می گیرد.

گفته شده است که جامعهٔ مدنی می تواند بالا تر از نظام خانواده و پایین تر از نظام دولت فعالیت نماید و جامعهٔ مدنی ، وابسته به جامعهٔ سیاسی است. این جامعه بدون دولت قانونمند که به تمام قلمرو خویش حاکم باشد، اساساً مورد بحث قرار گرفته نمی تواند.

ما فعلاً در افغانستان نهادهای مدنی را به عنوان جامعهٔ مدنی به کار می بریم، نهاد های جامعهٔ مدنی غیر از جامعهٔ مدنی است؛ زیرا جامعهٔ مدنی دارای مؤلفه هایی است که تا هنوز در کشور ما شکل نگرفته اند یکی این مؤلفه ها همانا موجودیت قانون و قانون سالاری است که در پرتو آن حقوق شهروندی در میان افراد اجتماع تأمین می گردد. مؤلفهٔ دیگر آن دولت قانونمندی است که ما در آستانهٔ ایجاد آن قرار داریم، و مؤلفهٔ دیگر آگاهی مردم از قانون اساسی است.

بیشترینه مشکل ما در افغانستان در قرن بیستم کمبود قانون اساسی نیست، بلکه تطبیق آن است. تا همین اکنون قانون اساسی ما به نام اشخاص مسمی بوده است؛ زیرا از مفاد این قوانین فقط خانواده های اشراف و وابسته به دربار و مراکز قدرت استفاده نموده اند و با از میان رفتن این شاهان و امراء دیگر قوانین آنها نیز متروک گردیده است.

جهت تحقق دموکراسی به یک اپوزیسیون نیرومند ضرورت داریم تا این اپوزیسیون اعمال دولت را مورد بررسی قرار دهد و صدای اعتراض خود را بلند نماید

ما در کشور خود از گذشته های دور بدین سو دغدغه هایی چند داشته ایم، از جمله دغدغه های اقتصادی ، سیاسی، اجتماعی و ... و دغدغهٔ مهم تر از همه بی سوادی و عدم فهم مردم از مفاد قانون اساسی است. وقتی که افراد اجتماع درک کنند که قانون به نفع آن هاست یقیناً از آن دفاع و پشتیبانی خواهند کرد در صورت شکل گیری این مؤلفه ها ما می توانیم جامعهٔ مدنی را در کشور توسعه بخشیم. هر قدر ماحکومت نیرومند و مقتدر داشته باشیم، هر قدر مشارکت ملی در یک سیستم و نظام شکل بگیرد، به همان تناسب ما از جامعهٔ مدنی نیرومند بر خور دار خواهیم بود. باید بپذیریم که ما در کشور خود، نمونه های بارزی از جامعهٔ مدنی را که منبعث از تعالیم اجتماعی اسلام است، تجربه کرده ایم زیرا معیار مشروعیت در اسلام تأمین عدالت اجتماعی است نه قدرت. خداوند عدالت را به تقوا نزدیک تر می خواند. ما در جامعهٔ سنتی و محافظه کار خود، حرکت های رضاکارانه ، داوطلبانه و جنبش های انسانی فراوانی داشته ایم.

ما هنوز در نظام اجتماعی خود

هر قدر ماحکومت نیرومند و مقتدر داشته باشیم، هر قدر مشارکت ملی در یک سیستم و نظام شکل بگیرد، به همان تناسب ما از جامعهٔ مدنی نیرومند بر خور دار خواهیم بود

از سیستم حشر، شورا، کمک های داوطلبانه و اعانهٔ دسته جمعی استفاده می کنیم، هر قدر این شیوه های زندگی تقویت گردد ورشد یابد به همان پیمانه نهادهای جامعهٔ مدنی در کشور رشد می یابد. ما مساجد، مکاتب، رودها ، پل ها و جاده های عامه را به طور رضاکارانه اعمار وبنا می نماییم که این نمونه هایی از جامعهٔ مدنی در کشور ماست.

اما جامعهٔ مدنی به مفهوم متعارف آن طوری که در غرب وجود دارد، در کشور ما وجود ندارد. گرچه گفته می شود که ما در افغانستان، دههٔ دموکراسی داشته ایم ، این خنده به ریش دموکراسی است، در قانون اساسی ۱۳۴۳ هـ فعالیت احزاب در نظر گرفته شده بود اما قانون احزاب که بر مبنای آن احزاب بتوانند به فعالیت خود آغاز کنند، هیچ گاه از سوی مقامات دولتی و پارلمان وقت توشیح نگردید. جالب این جاست که ما در طی این دههٔ دموکراسی احزاب قانونی نداشته ایم. به این دلیل احزاب سیاسی، مخالفت شدید با نظام حاکم وقت داشتند و با اشکال خشونت آمیز و لجام گسیخته این احزاب فعالیت های سردر گم داشتند و دولت هیچ گاه کنترل و ارزیابی قانونی بر این احزاب نداشته است و مصیبت اساساً از همین نقطه آغاز می گردد؛ زیرا فعالیت های این احزاب قانونمند نبوده است.

بنا بر این امید برده می شود، نظامی که بعد از انتخابات در کشور شکل می گیرد بتواند قانون اساسی را در کشور یک سان تطبیق نماید و دولت قانونمند به وجود آید و مردم را در آگاهی و روشنی از قانون قرار دهد. این موضوع وابسته به این است که چقدر انتخابات عادلانه خواهد بود؟ چقدر در نتیجهٔ آن مشارکت سیاسی رشد خواهد کرد؟ ما در دولت آیندهٔ خویش نه تنها جهت تحقق دموکراسی به یک اپوزیسیون نیرومند ضرورت داریم تا این اپوزیسیون اعمال دولت را مورد بررسی قرار دهد و صدای اعتراض خود را بلند نماید، بلکه به نهادهایی نیاز مندیم که به عامل فشار تبدیل گردندو این نهاد ها می توانند نهاد های جامعهٔ مدنی باشند که قدرت را نظارت و کنترل نموده از فساد و لجام گسیختگی دولت جلوگیری نمایند.

ما در کشور خود در یک مرحلهٔ گذار قرار داریم ، طوری که دیگران این دورهٔ گذار را سپری نموده اند. ما نیز ناگزیریم این دوره را سپری نماییم.

در ختم جنگ جهانی دوم، المان نازی از فاشیزم هتلری به سوی دموکراسی گام نهاد، ما ناگزیریم از فرهنگ تمامیت خواه سیستم کمونیزم جنگلی شرق، نظام طالبان و خشونت طالبانی خود را به فرهنگ تحمل و تفاهم و فق دهیم و این کار در نتیجهٔ توسعهٔ جامعهٔ مدنی به وجود می آید. و این نهادها عامل بازدارندهٔ دولت از فساد سیاسی واداری است، این نهاد ها دولت نیست، اما برای دولت مشروعیت می بخشد، ما جهت تحقق جامعهٔ مدنی به یک حکومت مرکزی نیرومند ضرورت داریم و این حکومت نیرومند برآمده از نتیجهٔ انتخابات، یقیناً ظرفی خواهد بود برای توسعهٔ نهاد های جامعهٔ مدنی در کشور.

دیدگاه هایی از کاندیداهای ...

او علاوه بر استقلال افغانستان وخلع سلاح متوازن به بازبینی در مورد حضور پایگاه های نظامی خارجی در افغانستان اشاره کرد و گفت که در حکومت من هیچ پایگاهی از هیچ کشوری در افغانستان نخواهد ماند او هم چنان حل موضوع خط دیورند را از اولویت های کاری خویش خواند.

آقای پدرام از مشارکت زنان در همه عرصه ها یاد کرد. و رفع خشونت علیه آنان و توان مند ساختن جنبش زنان را از اولویت های کاری خود قلمداد نمود.

او از حضور جوانان در دولت آینده یاد کرد و افزود که در قسمت تهیهٔ مسکن و مشکلات ازدواج جوانان توجه خواهیم نمود. او هم چنان از مواردی مانند، مبارزه با کشت وقاچاق مواد مخدر، مبارزه علیه فساد اداری، توجه به روستاها و توجه به مجاهدین فراموش شده نام برد.

عبدالستار سیرت نیز در تبیین خط مشی خود گفت: من با هیچ کاندیدای دیگری که در ویرانی افغانستان دست داشته اند رابطهٔ ائتلاف ندارم، گرچه چندی از کاندیداها خواستند با من ائتلاف کنند و ازمن حمایت شان را اعلام کنند. اما مورد قبول ما واقع نشد. او گفت: فرصت سفر به ولایات را پیدا نکردم و نتوانستم خط مشی خود را به تمام مردم خود اعلام کنم، علت آن، ایجاد موانع از طرف بعضی از شاگردان من بود.

د ملي يووالى او سراسري پيوستون ...

دلته هر څوک چي اوسيږي بس افغان دي
تور او سپين پيدا کول ملي تـاوان دي
ګران هيواد به په ملي وحـدت جوړيږي
دامو تينګه عقيده دا مو ايـمان دي

هوکي! د بصيرت او علميت خاوانداون ملي شخصيتونه، ديني مشران ، علما او سياست پوهان زموږ خاوي ته د ملي وحدت راوستل د آب حيات په څير ضروري بولي او د جمعيت اسلامي مشر محترم استاد رباني خو څو ځله په زياترو غونډو او مطبوعاتي کنفرانسونو کي په داسي يو نظام ټينګار کړي چي د سياسي ثبات او ملي وحدت له پاره کار وکړي ، په ټولنه کي خانخاني او هر اړخيز تعصبات پاي ته ورسوي قانونيت اعاده شي او داسي يو څوک د چارو واګي تر لاسه کړي چي د هغه په وجود کي ، سوله ، ثبات، ملي وحدت، او تفاهم، او نور ټولنيز ګټور ارزښتونه موجود وي.

زموږ د خلکو ستره هيله داده چي د هيواد سياست پوهان ، مشران، ګوندي او تنظيمي ليډران او ورسره يو ځاي ديني عالمان او د ټولني منورين ټول په ګډه هڅه وکړي چي زموږ په ټولنه کي هر ډول بدبيني او خانخاني په خوشبيني او اتفاق بدل شي خلکو ته دملي وحدت ګټي بيان کړي. دا وطن د ټولو افغانانو ګډ کور دي. د ګډ کور د ابادولو په خاطر ګډو هلو ځلو ته ضرورت دي، ګډي سربندي او فداکاري ته ضرورت دي او دغه مهم او حياتي کار هله تحقق مومي چي په موږ کي ملي يووالي او سراسري پيوستون پيدا شي او په نتيجه کي ئي د خپل ملي ژوند په سمندر کي دغه ماته بيړي روغه رمته ساحل ته وباسو.

په کندهار کي يوولس تنه طالب جنګيالي ووژل شول

د خبري سرچينو په وينا

په داسي حال کي چي د جمهوري رياست ټول ټاکنو ته د ګوتو په شمار ورځي پاتي دي د کندهار ولايت د سپين بولدک ولسوالي د سپين کلي په سيمه کي د ائتلاف د پوځونو او وسله والو طالبانو تر منځ خونړي جګړه وشوه چي يو ساعت ئي دوام درلود.

د نوموړي سيمي دامنيتي مسوولينو په وينا دوي ته معلومات ورکړل شوي و چي د شپږو ويشتو تنو په شاوخوا کي وسله وال طالبان پر دولتي سرتيرو د بريد لپاره په نوموړي سيمي کي راغونډ شوي و چي د افغان سرتيرو او ائتلافي ګډو ځواکونو لخوا تر بريد لاندي راغلل 15 تنه ئي تپيان دي ژوندي ونيول شول خو د طالبانو لخوا په دي اړه څه نه دي ويل شوي.

اسلام، دموکراسی و انتخابات

استاد عبدالعلی کوهی

آیین مطهر اسلام، تنها اوامر و نواهی مجرد اخلاقی نیست، بلکه یک سیستم ونظام کامل اقتصادی- سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. اسلام می تواند برای همهٔ این مسائل و قضایا محور قرار گیرد.

در اسلام ظرفیت هایی وجود دارد که نباید به ارادهٔ افراد، کوچک شوند و قرآن کریم مطابق به منافع افراد تفسیر شود و به سخن دیگر اسلام را زمان زده سازند. باید فراموش نگردد که ایمان به آزادی ضرورت دارد، هدایت کلام الله مجید است که: "**لاإکراه فی الدین**" اسلام اجبار پذیر نیست، وقتی آزادی اندیشه وتفکر سرکوب گردد، در حقیقت فرمان الهی سرکوب شده است.

اسلام یک هزار و چهار صد سال قبل با فرهنگ و مباحث عقلانی از خود دفاع کرد. اساساً اسلام با نوید آزادی، دل ها را فتح کرد و قفل گوشها و قلب ها را گشود. پیش از آن که لشکر مسلمانان برسد،

نوید آزادی اسلام همه جا را فتح می کرد. مگر فاجعه یی بزرگ تر از این برای مسلمانان وجود دارد که به آزادی پشت کنند و از افکار مخالف بهراسند و وقتی در برابر منطق و دلیل عاجز آمدند، اسلحهٔ تکفیر را به کار برند و در برابر آن با شمشیر مقابله کنند و چنین شعار دهند که گویا اسلام با تیغ و شمشیر پخش می شود.

در حالی که تیغ و شمشیر در برابر منطق ضعف ایمان است، باید اول منطق را عرضه داشت و در فرجامین مرحله دست به شمشیر برد.

ایمان به خشونت، به جای ایمان به قرآن، نمایانگر ضعف باور به قدرت منطقی و فکری اسلام است. اگر ایمان به آزادی در دین نباشد، برای دین و به نام دین به استبداد تکیه می شود و برای دفاع از حق، باید برای باطل وقت داده شود که در برابر منطق اسلام تسلیم شود، این خود آزادی است که اسلام به آن معترف است.

باید بپذیریم که امروز یک سلسله فشارها از خارج اسلام، به درون جامعهٔ اسلامی نفوذ می کند. این فشار خارجی، خواه به صورت فریبندهٔ ملیت گرایی(ناسیونالیسم)، خواه به صورت عقاید مربوط به ماده گرایی(ماتریالیسم) علمی و تفسیر اقتصادی تاریخ باشد که هم اکنون اثر خود را بر گروه های مختلف جامعهٔ اسلامی باقی گذارده است.

امروز یک مشکل دیگری که وجود دارد، این است که عده یی از دانشمندان اسلامی دارای جهان بینی محدودی هستند و قادر، یا حتا مایل نیستند که مقتضیات حیات جدید پیرامون خود را درک کنند و با مسایل خطیری که جامعهٔ اسلامی با آن رویا روی است مواجه شوند.

جنبش های مردمی نشان داده اند که توسل به شریعت هنوز می تواند ابزاری مؤثر برای تقویت تقاضای عدالت اجتماعی باشد بنا بر این وظیفه یی که امروز در برابر پیشوایان دینی ما قرار دارد این نیست که با قشری گری به عملیات تدافعی در عقب

ما در پایان هولناک ترین بلندای تاریخ قرار داریم، آنانی که از ما فرهنگ را به دریوزگی گرفته بودند حالا برای ما داروی شفا بخش توصیه می کنند.

جبههٔ جنگ بپردازند بلکه باید شکافی را که در بین امت وجود دارد پرکنند و این کار، با تشریک مساعی در تنظیم مجدد و تجدید فعالیت شریعت به منزلهٔ راه درست ومعتبر زندگانی در اوضاع جدید و تغییر پذیر کنونی میسر است، مسأله این نیست که با تر وتازه کردن روش شناسی جدید و از سوی دیگر در صدد صادر. کردن اخلاق سودگرایانه یا اخلاق انسانی از دیگر نظامها، به درون اسلام باشیم. مسأله مربوط می شود به ریشه های معنوی حیات وعمل وهیچ امت نمی تواند خود را از دنیای نو منزوی نماید یا از سوی دیگر ریشه های معنوی خود را از امت تاریخی منقطع کند. علما تا زمانی که حق مقام و وظیفهٔ خود را در حفظ تعادل و برابری ادا نکرده و وجدان اخلاقی مسلمانانی را که دارای اندیشهٔ روشنند ارضا ننموده اند و با انجام دادن تغییرات لازم، حقیقت ایمان و اخلاق اسلامی را حراست نکرده اند، نمی توانند میراث مذهبی اسلام را از گزند آفات فرسایندهٔ عصری که در آن به سر می بریم حفظ کنند.

امروز افکار تب آلود وهذیان زده به کج بحثی و تخدیر افکار می پردازد فقط آنهاست آزادی را نشانه گرفته است، امروز کشور را فاجعه یی بزرگ تر از پارتهدید می کند و آن جریان فرهنگ گسیختگی وگسست خودی ملت است که با تمام قوت ما را در برابر چالش هایی جدید فرا می خواند. در این سرزمین سوخته که حضور نا میمون عاملان اصلی فاجعه بر شانه های زخمی آن سنگینی می کند همه چیز باید از نو ساخته شود، ما در پایان هولناک ترین بلندای تاریخ قرار داریم، آنانی که از ما فرهنگ را به دریوزگی گرفته بودند حالا برای ما داروی شفا بخش توصیه می کنند. دست های ناپاک و افکار طاعون زده، یکبار ما را به گناه انترناسیونالیسم پرولتاری به دام انداختند و از ما انتقام کشیدند، باری دیگر دین را به عاریت گرفتند و از دین برضد دین خواستند هویت ملی وفرهنگ پر بار ما را به زیر در آورند. اما بی خبر از آنند که:

درخت توگر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را

نظریهٔ حاکمیت سیاسی در اسلام بر مبنای مردم سالاری استوار است و از جبر مبراست هرچند در جوامع اسلامی امروز، این امر کمتر انعکاس یافته است. اولو"الأمر یا زعیم سیاسی در اسلام، آرمان های مردم را بایست در نظر بگیرد. باید گفت که در اسلام عدالت به صفت معیار مشروعیت دولت به کار رفته است، نه کلمه های دیگری چون: قدرت، ملک، شکوه وجلال وغیره ... به سخن دیگر حاکمی که عادل باشد بیشتر امکان مورد قبول مردم واقع شدن را داشته تا حاکمی که مقتدر باشد. در تاریخ اسلام بعد از

نظریهٔ حاکمیت سیاسی در اسلام بر مبنای مردم سالاری استوار است و از جبر مبراست هرچند در جوامع اسلامی امروز، این امر کمتر انعکاس یافته است

دورهٔ خلفای راشدین همچنان زعمای عادل در صدر مسلمانان قرار گرفته اند. اما اخلاف امرای عادل مانند اسلاف خود نبوده اند.

آیاتی در قرآنکریم وجود دارد که مردم را به مشوره و تفاهم دعوت می کند، طوری که در سورهٔ شوری آمده است: **(وأمرهم شوری بینهم)، (و شاورهم فی الأمر)** خداوند شورا را در دستور کار مسلمان ها قرار می دهد، وقتی کشورهای اسلامی به سوی انتخابات گام برمی دارند، در حقیقت گمشدهٔ خود را در می یابند. اولین خلیفهٔ مسلمانان ابوبکر صدیق(رض) در ثقیفهٔ بنی ساعده از طریق مشوره و آرای مردم در سال ۱۱ هجری به خلافت برگزیده شد و در خطبهٔ اول خود خطاب به مردم چنین گفت: ای مردم! من بر شما والی تعیین شدم، ولی از شما بهتر نیستم، اگر نیکی کردم یاری ام دهید و اگر بدی کردم به راه راست رهنمایی ام کنید.

بعد از رحلت پیامبر اسلام، خلافت ابوبکر صدیق به مثابهٔ اولین دولت اسلامی بوده وسهم مستقیم جامعهٔ مسلمانان و انتخاب خلیفه و تشکیل دولت قابل توجه می باشد. دولت از نظر حقوقی برتر از جامعه نبوده، بلکه مساوی با آن می باشد وقتی نخستین زمامدار اسلام به این عقیده است که گر بدی کردم به راه راست رهنمایی ام کنید در واقع برای مردم در عرصهٔ سیاسی جامعه نقش عملی ایجاد می شود که باید آن را فعالانه اجرا نمایند، در این خطبه، انسان به عنوان موجود سیاسی مطرح می شود و حدود مسؤولیت متقابل بین دولت و جتماع تعیین می گردد.

در مورد جانشینی پیامبر اسلام برپایهٔ قرائت اهل سنت، هیچ اشارتی در زمان حیات آن حضرت صورت نگرفته است و گفته می شود که پیغمبر نخواسته است خلافت به خانواده و یا شخصی معین بدون آرای مردم تعلق بگیرد که این خود ناموس دموکراسی، آزادی اندیشه ومردم سالاری در اسلام را نشان می دهد، هم اکنون در برخی از کشورهای اسلامی دیده می شود که قدرت در خانوادهٔ آنها به میراث گذاشته می شود، واصطلاح ولی عهد درمیان برخی از کشورها رایج است که به مجرد مرگ پادشاه و یا سلطان، قدرت به ولی عهد تعلق می گیرد، طوری که در آغاز ومیانهٔ قرن بیستم این رسم درکشور ما نیز معمول بوده که بحران هایی عظیم را خلق نموده است، بناءً باید نتیجه گرفت که نباید از عمل مسلمانان بر اسلام خرده گرفت. اسلام به ما دستور می دهد که با مخالفان با نیکو ترین شکل سخن بگوییم، فکر خویش را در مقابل فکر شان و ایمان خود را در مقابله با ایمان آنها بیازماییم، این اصل دموکراسی و آزادی عقیده و بیان است که اسلام به آن دستور می دهد. این فاجعه است که بدون شناخت از اسلام برای اسلامی ساختن جهان اقدام شود، هر مسلمان برای رفع این فاجعه مسؤولیت ایمانی خویش را باید ایفا کند و با اعتقاد به آزادی، نمونه یی از اسلام ارائه دارد که معیار انسانیت در جهان معاصر باشد.

د زړه د دردونو عوامل او وقايوي تدبيرونه ئي



د نيكمل ژباړه

سلولونو ته د غذائي موادو او اكسيجن رسول او له هغو څخه د اضافي موادو دفع كول. د وينې يو مهمه دنده ده. كله كه سلول ته پوره وينه ونه رسيږي اكسيجن او نور د ضرورت ور مواد تې نه تاميږي او هغه اضافي مواد چې مسموموونكي دي له سلولونو څخه نه وځي.

د زړه درد د زړه غضلي ته د اكسيجن او وينې د نه رسيدو په نتيجه كې پيدا كيږي.

كله چې زړه ته وينه ونه رسيږي او زايد مواد دفع نشي په سلولونو كې اسيد لاكتيك راټوليږي او د زړه د درد لامل كرځي او كه په زړه كې د وينې پوره جريان پيل نشي درد دوام پيدا كوي او د نومورو اسيدونو د راټوليدو له امله د سلولونو محيط اسيدي كيږي او زړه ته مسموميت پيدا كيږي او له مينځه ځي

د زړه درد د فشار د ټيټوالي، خپكان، سوزش او يا د تنګ تنفسي له مخې احساسيږي او په لږ وخت كې اوږو، منونو، سيو او چپو لاسونو، سكولو او كوتو ته خپريږي. كه چيرته زيات دوام وكړي نو د زړه د دريدو امكان شته.

هغه شرايط چې د زړه د درد سبب كرځي دوه ډوله دي، او ل هغه شرايط چې زړه ته د وينې يا اكسيجن د بنديدو سبب كرځي چې علامې ئې د فشار ټيټوالي، د شراينو تصلب، د وينې د اكسيجن كموالي، د وينې كموالي او د وينو د ګلبول زياتوالي دي

په طبعي حالت كې كله چې زړه زياتې وينې ته ضرورت لري د زړه ركونه پراخيږي او زړه ته پوره وينه رسيږي خو كله چې بيا د شراينو تصلب پيدا شي، ركونه نه پراخيږي وينه او اكسيجن د زړه عضلي ته نه رسيږي او د درد او يا د "انژمن" سبب كرځي.

2- هغه شرايط چې د زړه د عضلي ارتياوي زياتوي لكه هيجان، سختې غذاګانې كم خوني، د تيروئيد غدې زيات كار، د زړه لويوالي او يا نور عوامل، د فشار او پر خان باندې د زور راوړل د زياتې انرژۍ لګښت ته ضرورت لري چې د زياتو خوراكي موادو او اكسيجن په واسطه بايد تامين شي.

او دا كار د وينې پر غاړه دي. كله چې زړه ته كافي وينه ورسيږي نو زيات كار ته چمتو كيږي او نور بدن ته بايد زياته وينه وليږدوي چې دا پخپله وينې او اكسيجن ته د زړه د زياتې تقاضا سبب كرځي او كه زړه ته پوره اكسيجن و نه رسيږي نو سملاسي د زړه درد پيدا كيږي.

د زړه د درد د مخنيوي لپاره بايد لاندې دستورات په پام كې ونيول شي.

1- له سختو فعاليتونو او قوي غذاګانو څخه پرهيز.
2- د وزن كنترول او په مطلوب خاې كې ساتل.
3-له 8 څخه تر 10 كيلاسو پورې د اوبو څښل
4- له غوړو غذاګانو څخه ډډه كول.
5- له ترو غذاګانو څخه خان ساتل.
6- د هغو خوراكونو خوړل چې اوسپنه ولري، لكه، ينه، غوښه، حبوبات، سابه او ميوې.
7- د دخانياتو او نشه يي توكيو څخه خان ساتل.
8- د سپكو ورزشونو سرته رسول كله چې د زړه دردتاسو ته پيدا شو نو سملاسي استراحت وكړي او كه تكرار شو نو ډاكټر ته خان ورسوي.

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً انان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست وششم | چهارشنبه ۱۵ میزان ۱۳۸۳ | 22 شعبان المعظم ۱۴۲۵ - 6 October 2004



رمضان می آید

آن را چگونه پذیرایی کنیم؟

هاشمی نژاد

رمضان مبارک، امسال نیز مانند سال های گذشته در آستانهٔ فرا رسیدن است و جز چند روزی محدود، به قدوم این ماه پر میمنت نمانده است، و خداوند زمین و زمان یکبار دیگر بندگان خویش را در این ماه بزرگ به مهمانی فرا خواهد خواند. و بر ما مسلمانان است که با قلب هایی آگنده از اخلاص و خشوع و با دنیایی از امید و آرزو به استقبال این مهمان عزیز وگرانمایه برویم.

بدون شک خداوند متعال انسان را برای عبادت و شناسایی خود آفریده است؛ چنان که می فرماید: «جن و انسان را جز به هدف عبادت نیافریده ایم». اقتضای این عبادت فروتنی، تواضع و کرنش در برابر ذات پروردگار وفرمان بری از اوامر و نواهی او تعالی است وهرگاهی که بندهٔ مسلمان به این پیمانه از عبادت برسد، رضای الهی به سراغش خواهد آمد و در دنیا و آخرت سرفراز خواهد شد. روزهٔ ماه مبارک رمضان نیز یکی از همین عبادت هایی پربار است که خداوند بزرگ آن را بر هر فرد مسلمان فرض گردانیده است؛ تا به وسیلهٔ این رکن رکین مسلمانان، به تقوای الهی برسند، وخوشنودی او را کسب نمایند. پیامبر بزرگوار اسلام در مورد پذیرایی مسلمانان از رمضان می فرماید: "ماهی بزرگ ومبارک به سراغ تان می آید، در این ماه شبی است که از هزار ماه بهتر است..."

ماه رمضان همه نیکویی ها وخوبی ها را در خود نهفته دارد، ونفس آدمی را از رذایل وفساد پاکیزه می ساز، واگر بندهٔ مسلمان با نیت نیک و اخلاص کامل، روزهٔ این ماه را بگیرد و از فرصت های آن بهره یی خوب ببرد، خداوند گناهان او را می بخشد و رحمت خویش را بر او فرود می آورد، در این ماه دروازهٔ مغفرت و رحمت الهی به روی مسلمانان گشوده می گردد و شیاطین به زنجیر بسته می شوند و سنگ نا امیدی به سینهٔ آنها کوبیده می شود. از همین رو بوده است که در عصر پیامبر اسلام یاران گرامی آن حضرت صلی الله علیه وسلم شش ماه قبل از فرارسیدن رمضان، آن را با طاعات و عبادات واعمال نیکوی خویش پذیرایی می کردند. وپس از ماه رمضان تا شش ماه دیگر در انتظار اعادهٔ این ماه پر فیض به سر می برند وبرای دوباره آمدنش دعا می کردند.

روزهٔ ماه رمضان دارای ویژگی هایی است که اگر شخص مسلمان به گونه یی خالصانه آن را ادا کند آثار وپیامدها و ویژگی های آن در زندگی فردی و جمعی وی به تحقق می رسد. ویژگی های روزه عبارت است از:

۱-روشنایی عقل و اندیشه
۲-تزکیهٔ نفس
۳-پاکی قلب
۴-درازی عمر و پربار شدن آن
۵-مضاعف شدن پاداش نیک انسان
۶-به وجود آمدن خانوادهٔ پاکیزه و صمیمی
۷- وحدت و یکرنگی جامعهٔ اسلامی

چه زیبا و ستودنی است که با استقبالی خوب و مخلصانه از این ماه خدا، ویژگی های پربار بالا را در زندگی خویش به برگ وباربنشانیم.

موضوع دیگری که از همه مهم تر می نماید این است که مسلمانان بایستی با استفاده از فرصت های خداداد رمضانی، یک بار به خود مراجعه کنند وخویشتن خود را مورد بازرسی ومحاسبه قرار دهند، و با این کار می شود، هم تقوای الهی را کسب کرد وهم از گناهان خورد و بزرگ اجتناب ورزید.

من بر پایهٔ توافقات قبلی حمایت ...

قسمی که اشاره شد در توافقاتی که در ابتدا شده بود تفاوتی به میان نیامده است وانتخاب معاون نیز مربوط به کاندیدای ریاست جمهوری است، مسألهٔ انتخاب شخص معین، جزء توافقات مانبود به این اساس چه احمد ضیا مسعود ویا کسی دیگر انتخاب می شد، ما به همان عهدی که بسته بودیم وفادار هستیم وهیچ تغییری در آن نیاورده ایم.

استاد در پاسخ به این سؤال که شما گفتید حمایت تان را نظر به توافقات قبلی که به حامد کرزی داشتید اعلام کردید، حال آن که در آن زمان، آقای کرزی گفته بود که ماصرف مشوره نموده ایم، آیا پیش شرط های شما در این توافقات قبول شده است یا خیر؟ گفتند:

جناب کرزی در یک جمع بزرگ موقف خود را اعلام کرده بود. نزد ما مهم همان تعهدی است که دربرابر ماسپرده است. هم چنان طی صحبت های بعدی که با آقای کرزی داشتیم و حتی در یکی دو روز پیش، اظهار نمود که در نظریاتش کدام تغییری نیاورده است وبازهم روی همان توافقات تأکید نمود.

استاد در پایان در پاسخ به این سؤال که اگر آقای قانونی در انتخابات پیروز شود جامعهٔ جهانی وآقای خلیلزاد از او پشتیبانی خواهند نمود و آیا قانونی رهبری مناسب از نظر امریکا بوده می تواند یاخیر گفتند:

انتخاب رئیس جمهور حق ملت افغانستان است وبه این اصل باید دولت های خارجی احترام بگذارند. این که عکس العمل دنیا در مقابل رئیس جمهور منتخب آینده چیست آن را باید انتظار داشته باشیم و از خود آنان بپرسیم.

ندیم

قانونی در یک همایش در شهر کابل:

نیروهای امنیتی دولت را متهم به خشونت در برابر طرفدارانش کرد

محمد یونس قانونی یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری که در ادامهٔ مبارزات انتخاباتی اش دیروز در یک جمع بزرگ از هواداراتش در چمن حضوری در شهر کابل سخنرانی می کرد ضمن برشمردن برخی از برنامه هایش برای دولت آینده، از برخورد نیروهای امنیتی و برخی از مقامات محلی دولت در بعضی از ولایات شکایت کرد. او گفت که مقامات امنیتی دولت در ولایات بغلان وکندز بعضی از طرفداران او را مورد ضرب و شتم قرار داده اند. او همچنان اظهار داشت که یکی از مسؤولان انتخاباتی انو را در ولسوالی شیندند ترور کرده اند.

نارسایی برخی از رسانه ها در رساندن اطلاعات

عبدالله فرزاد

همگام با فروشی رژیم طالبان، طبل آزادی بیان ومطبوعات در افغانستان نواخته شد، و در مدتی نه چندان دراز، شمار جراید ، روزنامه ها و مجلات در مرکز و ولایات کشور از دو صد تا نیز تجاوز کرد، اما به دلیل این که پیامد های ناگوار نزدیک به سه دهه جنگ ونا امنی، در کنار دیگر عرصه ها بر روند فرهنگ و دانش هم تأثیر منفی گذاشته است، شمار کمتری از این نشریه ها تا حدی معیاری وخالی از اغلاط و اشتباهات به نظر می رسند.

زمانی که آدم به تعدادی از این نشریه ها نگاه می کند، عناوین خبری ، شیوهٔ نگارش ونسخه برداری های غیر فنی آنها را از منابع خارجی می بیند ، قول معروف: "با قند گفتن دهن شیرین نمی شود." در ذهنش آدمی متبادر می گردد، ویقین پیدا می کند که واقعاً با کاغذ سیاه کردن وازچاپ کشیدن اوراقی جریده گونه و روزنامه گونه، انسان، ژورنالیست ونویسنده نمی شود. البته برخی از روزنامه هایی که پس از سقوط طالبان و در دورهٔ حاکمیت ادارهٔ موقت وانتقالی پا به میدان فعالیت گذاشته اند و کارکنان آنها نیز از تجربه یی کافی بهره مند نیستند، ازاین اعتراض مستثنی هستند و ما آنها را به همین دلیل که گفتیم معذور می شماریم، ولی سخن ما بر سر جراید و روزنامه هایی هست که چندین سال پیشینهٔ کار دارند و گردانندگان آنان از جانب وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ دست چین و انتصاب می شوند، وافرادی که در این نشریه ها فعالیت دارند سنگ روزنامه نگاری، تجربه و تخصص در مطبوعات را به سینه می کوبند و اشخاص تازه وارد به عرصهٔ مطبوعات را تحویل هم نمی گیرند!!

به هر حال با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات هجدهم میزان سال جاری کارها و فعالیت های تمام نشریه ها به ویژه روزنامه های دولتی رنگ و روغن بیشتر یافته و هر کدام با نشر مطالبی در مورد برنامه های کاندیداهای ریاست جمهوری وچگونگی تدویر انتخابات و ... کوشش می کنند بر شمار خوانندگان خود بیفزایند، اما با صد درد و تأسف که این روزنامه ها پر از اغلاط املایی وانشایی هستند و با وجود داشتن ده ها به اصطلاح نویسنده و کارمند، باز هم مطالب آنها نا اصلاح شده به چاپ می رود و مطالبی که از انترنت و منابع خارجی گرفته می شود بدون آن که به تاریخ و زمان آن توجه گردد و اصلاح شود، بدست نشر سپرده می شود؛ به گونهٔ مثال در شمارهٔ ۱۶۴ سه شنبه ۱۴ میزان روزنامهٔ انیس خبر مناظرهٔ تلویزیونی نمایندگان نامزدهای محترم ریاست جمهوری که قرار بوده روز دوشنبه گذشته ۱۳ میزان برگزار گردد، زیر عنوان "چهار روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری" به گونه یی منتشر شده است که گویا این مناظره در آینده برگزار خواهد شد، در حالی که زمان تدویر آن یکروز پیش از نشر خبر آن بوده است، چنان که در متن آن خبر آمده است: "همزمان ، نمایندگان هجده نامزد انتخاباتی در یک برنامه مناظره شرکت می کنند. قرار است این مناظره روز دو شنبه ۴ اکتوبر، در کابل برگزار شود و نخستین باری است که برنامه های تمامی نامزد ها در یک گردهمایی واحد مطرح خواهد شد." بدون شک خواندن این موضوع که خبری مربوط به یک روز قبل بوده ولی به واژه هایی مستقبل انتشار یافته، خیلی ها خنده آور است و معلوم می شود که این خبر شاید یک ویا دو روز پیش در انترنت نشر شده باشد که کار گردانان محترم انیس به گمان این که شاید دست زدن و ویراستن مطالب اینترنت گناه مطبوعاتی باشد آن را بدون تصحیح چاپ کرده اند!